[171] بيش نبودم مرا در گاهواره حفظ كرده واز شيرى گوارا به من روزى دادى، و دلهاى پرستاران را به من متمايل ساخته ومادران مهربانرا عهده دار من نمودى، واز راهزنان جن پاسداريم كردى، واز زياده ونقصان سالمم نگاه داشتى، پس تو مهربان وبخشنده وبسيار بزرگ ووالائى. تا آنگاه كه به سخن در آمدم نعمتهاى گسترده ات را بر من تمام نمودى ودر هر سال مرا بيشتر رشد دادى، وزمانيكه سرشتم تكامل يافت وتاب وتوانم به حد اعتدال رسيد، حجتت را بر من واجب ساختى، بدينوسيله كه معرفتت را به من الهام كرده وبه شگفتيهاى حكمتت مرا متعجب ساختى. وبه آنچه در آسمانها وزمينت از پديده هاي نوينت آفريدى مرا بيدار ساختى، وبراى شكرگذارى ويادكردنت مرا آگاهم نمودى، وطاعت وبندگيت را بر من واجب كرده، وبه آنچه پيامبرانت آورده اند آگاهيم دادى وپذيرش خوشنوديهايت را برايم آسان نمودى، ودر تمامى اين موارد باكمك ولطفت بر من منت نهادى. خداوندا ! هنگاميكه مرا از برترين سرشت آفريدى، وخشنود نشدى كه نعمتي را بخاطر نعمتي ديگر نداشته باشم، وبه منت بسيار _____